

عنوان مقاله:

نقد اجتماعی در نمایشنامه ی جیجک علیشاه نوشته ی ذبیح بهروز

محل انتشار:

ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

فاطمه غلامی - عضو هیات علمی بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

خلاصه مقاله:

نقد اجتماعی در معنای نمود مسایل و معضلات اجتماعی در آثار ادبی در تاریخ ادبیات سرزمین ما مگر در مقاطعی چون حمله ی مغول که رخدادهای تکان دهنده روی نموده، چندان چشمگیر نبوده است. از عصر مشروطه به بعد این نوع نقد و نگرش، همراه با سایر فنون و دانش ها در ایران رونق بیشتری یافت. ذبیح به روز از چهره های نامدار ادبی دوره ی پهلوی نخست است که در حوزه ی نمایشنامه نویسی با اثر جیجک علیشاه شناخته شده است. این نمایشنامه که با طنزی قوی و جاندار درآمیخته است افزون بر نگاه به اوضاع ایران در دوره ی قاجار، بیشتر تعریضی است به عصر دیکتاتوری رضاخانی و آیینی ی تمامنمای انحطاط جامعه ی آن روز ایران در تمام ابعاد است. در نوشته ی پیش رو جلوه هایی از نقد مسایل اجتماعی در این نمایشنامه بررسی و نشان داده شده است. از مهمترین عناوین این انتقادات که با چاشنی طنزی شیرین و گیرا و در عین حال گزنده بیان شده میتوان به این مواردی چون نقد پادشاه و طبقه ی حاکم، بی عدالتی، جهل و بیخبری صاحب منصبان، بی تدبیری و حماقت، نقد مسایل زنان، انتقاد از متولیان و مدعیان امور دینی، انتقاد از وضعیت ادبیات، شعر و تاریخ نگاری، تملق و چالوسی و تحقیر و تحمیق گماشتگان و مسوولان حکومتی و اطرافیانسان اشاره نمود.

کلمات کلیدی:

نقد اجتماعی، ذبیح بهروز، نمایشنامه ی جیجک علیشاه، عصر قاجار و پهلوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1041873>

